

بررسی فقهی حق استیلا با نگاهی بر منابع قرآنی و روایی

سیدعلی حسینی احمد فداله^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

یکی از مسائل چالش برانگیز برای زوجین جوان در عصر کنونی، که گاهی منجر به بروز اختلافات عمیقی فیما بین آنها می گردد، موضوع داشتن یا نداشتن فرزند می باشد. سؤالی که از نظر حقوقی قابل طرح می باشد، این است که آیا فرزند آوری از آثار نکاح است، به گونه ای که هر نکاحی این اثر را به دنبال دارد یا این که نکاح به خودی خود چنین اثری را ندارد، مگر این که شرط استیلا در ضمن نکاح درج شده باشد. در این خصوص، دو نظریه وجود دارد: ۱. فرزند آوری از آثار نکاح بوده و اگر زوجین قصد باروری ندارند، باید عدم استیلا را در ضمن نکاح به طور صریح یا ضمنی ذکر کنند. ۲. نکاح به خودی خود، اثری در خصوص فرزندآوری ندارد، مگر این که طرفین شرط استیلا را در ضمن عقد صریحاً یا ضمناً بگنجانند. مقاله حاضر، با رویکرد فقهی حقوقی در صدد اثبات این نظریه است که اگر چه عقد نکاح به خودی خود اثری در خصوص فرزند آوری ندارد، ولی هر نکاحی به صورت شرط ارتکازی مشروط به استیلا می باشد. به عبارت دیگر، استیلا نیاز به تصریح در نکاح ندارد، بلکه عرفاً در ارتکاز طرفین عقد نکاح استیلا شرط می باشد، مگر این که صریحاً یا ضمناً شرط عدم استیلا شده باشد.

واژه‌های کلیدی: استیلا، باروری، ناباروری، شرط ناباروری